

به نام خدا

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه موافقتنامه معاضدت حقوقی و قضائی در موضوعات مدنی و تجاری

بین جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی»

#### مقدمه

یکی از اختصاصات حاکمیت‌ها در این زمان، در دست داشتن سیستم رسیدگی قضایی است که می‌توانند از طریق دادگاه‌های خود و یا از طریق پذیرش آرای داوری‌ها - چه داخلی و چه خارجی - و حتی شناسایی و اجرای احکام خارجی اعمال گردد. سپهر جامعه جهانی و روابط میان افراد مؤثر بودن تفرد عملکرد را در این حوزه تحت تأثیر قرار داده و سبب گردیده کشورها انواع همکاری‌ها را در این خصوص مورد توجه قرار دهند که گاه در قوانین داخلی پیش‌بینی شده است و البته مشروط به رفتار متقابل گردیده است و گاه در موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه صورت‌بندی شده و الزامات قابل مطالبه را برای اطراف آن پدید آورده است تا از این رهگذر مؤثر بودن دستگاه قضایی طرفین تا حدی تأمین شود.

در همین راستا دولت جمهوری اسلامی ایران مبادرت به انعقاد چندین موافقتنامه همکاری قضایی نموده است که گاه در یک سند به هر دو جنبه مدنی و کیفری ناظر است و گاه در دو سند جداگانه آمده است. در رابطه با کشور امارات که به جهت گستردگی روابط تجاری - اقتصادی لزوم قوت بخشیدن به همکاری‌ها بیشتر احساس می‌شود، دولت صلاح در آن دانسته است که در ۳ مقوله همکاری در امور مدنی و تجاری، همکاری در امور کیفری و استرداد مجرمین نسبت به انعقاد موافقتنامه مبادرت شود که البته می‌تواند با تعمیم یافتن به مسئله انتقال محکومان به حبس کامل‌تر نیز گردد.

#### آثار لایحه

انعقاد موافقتنامه همکاری قضایی بین دو دولت بسیار ضروری است، اما این موافقتنامه نباید مشکلات و ایراداتی ایجاد کند و مبنایی برای سوءاستفاده، عدم همکاری، خودمحموری در ایفای تعهدات مندرج پدید آورد.

#### ارزیابی لایحه

۱. عنوان موافقتنامه «...معاضدت حقوقی و قضایی...» است. قرار گرفتن عنوان حقوقی و قضایی در نظام حقوقی ایران حاکی از شمول بر موضوعات مدنی و هم بر موضوعات کیفری است. این درحالی است که موافقتنامه حاضر تنها ناظر به امور مدنی است. اصلاح عنوان از طریق حذف یکی از دو عبارت «حقوقی» یا «قضایی» می‌تواند بهتر نشان‌دهنده دقت حقوقی ضروری برای قانونگذار، در استفاده از عبارات و اصطلاحات باشد.

۲. در ماده یک در دو بند مجزا به مسئله اتباع پرداخته است و بند «۲» ماده آنچه را که در بند «۱» آمده به اشخاص حقوقی تعمیم داده است. این ارجاع حاکی از آن است که در موافقتنامه هر جا به اتباع اشاره شده است، منظور اشخاص حقیقی و نه حقوقی می‌باشند. حال این پرسش مطرح است که در موارد متعدد مذکور در این موافقتنامه از جمله ماده (۲) در خصوص تخفیف یا معافیت از پرداخت هزینه‌های رسیدگی، حقیقی بودن شخص چه ویژگی داشته است که اشخاص حقوقی را از استفاده از این حقوق محروم می‌نماید؟! ۳. در پذیرش ضابطه برای تابعیت اشخاص حقوقی ماده (۱) راهی را انتخاب کرده است که گنگ می‌نماید. هر چند ضابطه ثبت شدن مطلوب می‌نماید، اما وقوع مطابق قوانین ملی مشخص نیست یعنی چه و ایراد دور را مطرح می‌کند. زیرا قرار است بر مبنای این ضابطه تابعیت سنجیده شود، اما ضابطه خود مسئله را به قوانین ملی احاله می‌نماید و اینچنین است که نمی‌توان به نتیجه‌ای دست یافت. علاوه بر این باید در نظر داشت وقوع در سرزمین حداقل از منظر نظام حقوقی ایران عبارتی غیرحقوقی است که معین نیست به ضابطه مرکز مهم امور، اشاره دارد یا حضور فیزیکی فعالیت‌ها.

۴. در بند «۳» ماده (۱۷) استثنای کمک هزینه‌ها ذکر شده است که ابهام داشته و معلوم نیست در چه موضوعی مورد توجه است. به نظر می‌رسد بیشترین موضوع هزینه مذکور در خود موافقتنامه برای اجرای تقاضاها مورد توجه بوده است، اما با این حال استفاده از عبارتی منحصر یعنی «کمک هزینه» که در جایی دیگر از موافقتنامه به چشم نمی‌خورد ابهام در پی خواهد داشت.

۵. ماده (۱۹) با اتخاذ معیارهای خلاف معیارهای پذیرفته شده در نظام حقوقی ایران، صلاحیت را تعیین کرده است که مشکلات بیشماری را به دنبال خواهد داشت که ساده‌ترین آن محرومیت افرادی که به موجب قانون حق دادخواهی در دادگاه صالحه را دارند، از استفاده از مزایای این موافقتنامه خواهد بود.

۶. در بند «و» ماده (۱۷) یکی از موانع شناسایی و اجرا، عدم ابلاغ «به نحو مقتضی»، دانسته شده است، این در حالی است که به هیچ وجه معلوم نیست که منظور از به نحو مقتضی چیست؟ این ابهام سبب می‌شود تا سوءاستفاده زیادی صورت گیرد و مفری برای فرار از تمکین به اجرای آرای دادگاه‌ها برای افراد پیدا شود.

## نتیجه‌گیری

انعقاد و اجرای موافقتنامه‌ای در خصوص همکاری در امور قضایی و مدنی بین دو کشور ایران و امارات به جهت سطح روابط و همکاری‌ها بسیار مهم و ضروری است، اما نباید آنچه که منعقد می‌گردد به جهت ایراداتی که دارد دشواری برای دو دولت و اشخاص فراهم آورد.